

## یکی از این موارد شگفت انگیز را نام مبیرید؟

آنقدر تعدادشان زیاد است که ممکن است باور نکنید، در واقع ما روزانه سورپرایز میشدیم و این شگفتی در تولید، پس تولید، پیش تولید و... تا جشنواره ادامه داشت. از موانع سفت و سختی که سر راه تولید فیلم پیش آمد یا بازیگری که میخواستیم و نشد و بهتر از آن در نقش حاضر شد یا ناگارش یک سکانس که به هیچ وجه پیش نمیرفت و ناگهان با متن یا مطلبی گراهش باز می شد، و پیداشدن نوجوانانی که ترکیب آنها با هم چنان جور شد که میخواستیم و... موفقیت در سینما با این همه پیشرفت و کتاب و تجربه هنوز فرمول مشخص و واضحی ندارد یعنی اگر همه اصول فیلمسازی را رعایت کنید باز هم فیلمسازی چیزی فراتر از دانش است و نیاز به معجزه دارد. تازه بعد از تدوین و پس تولید میتوان فهمید چه ساخته ایم. در تاریخ سینما کارگردانانی داریم که فیلم موفقی داشته اند ولی فیلم بعدی آنها موفق نبوده و این یعنی فیلمسازی فرمول مشخصی ندارد و وابسته به عوامل زیادی است که خروجی نهایی را رقم میزند. ما همه موارد را رعایت کردیم و هر چه بلد بودیم انجام دادیم ولی نمیدانستیم در نهایت چه میشود و خدا رو شکر که این دو سال سختی و پیگیری نتیجه مطلوبی داشت.



فیلم بچه مردم  
گرچه اولین فیلم بلند  
سینمایی من است،  
ولی حاصل ۲۵ سال  
تجربه در حوزهای  
مختلف فیلم سازی  
است. به عبارت دیگر  
من فیلم اولی هستم  
ولی کار اولی نیستم

هم مدعی ساخت کمدی نیستم و بچه مردم را کمدی نمی دانم، از زمان نگارش فیلمنامه در توضیح لحن فیلم تنها از واژه شوخ طبع استفاده میکردم.

## این شوخ طبعی و صد البته نریشن چطور وارد فیلمنامه شد؟

در زمان طراحی و نگارش فیلمنامه به همراه خانم یار محمدی، متوجه شدیم کاراکتر اصلی من درون گراست و از خصوصیت انسانهای درون گرا، واگویی و گفتگو با خودشان است، یعنی بیش از اینکه با دیگران حرف بزنند با خودشان حرف میزنند و طبیعتاً در سینما بهترین راه برای رسیدن به این لایه‌ی شخصیت، استفاده از نریشن است. از طرف دیگر نمیخواستیم نریشن بار کارهای دیگرمان را برعهده بگیرد و تبدیل به راه فراری برای آنچه نمیتوانیم به تصویر بکشیم شود. برای همین نریشن‌ها چندین بار با وسواس بازنویسی شد و آنقدر ورز دادیم تا از نظر خودمان به درست‌ترین شکل در فیلم استفاده شود.

## احتمالاً آقای احمدی هم به واسطه حضور هر دو در خندوانه با شما همراه شده و تهیه فیلم را برعهده گرفت.

دقیقا. من و آقای احمدی از فصل سوم خندوانه با هم دوست و همکار هستیم و این دوستی هر روز بیشتر شد. مطمئناً هیچ فردی جز آقای احمدی حاضر نمیشد ریسک تولید این فیلم توسط من را بپذیرد و این به دلیل شناختی بود که ما در این مدت نسبت به هم پیدا کرده بودیم. ایشان متوجه قابلیت‌های من در فیلمسازی شده بود و میدانست وقتی پروژه‌های را میپذیرم یعنی این توانایی را در خود دیده‌ام. این دوستی، اعتماد و اطمینان میان ما بود که به تولید فیلم سینمایی «بچه مردم» منجر شد و بدون این موارد شکل‌گیری چنین پروژه‌های بعید بود. او به اندازه کافی به کیفیت و خروجی کار اهمیت می‌داد و امیدوارم همکاری‌مان همچنان ادامه‌دار باشد.

## از نظر شما عامل اصلی موفقیت فیلم سینمایی «بچه مردم» چیست؟

به نظر من بچه‌هایی که سوژه فیلم شدند عامل اصلی موفقیت آن هستند. این بچه‌ها خیلی گمنام بودند و یوسف اصلانی زودتر از همه به مظلومیت و گمنامی‌شان پی برده بود و سالیانست برای امثال این بچه‌ها در بهشت امام (رضاع) کار میکند.

## گمان می‌کردید که «بچه مردم» در جشنواره فیلم فجر چنین موفقیتی را کسب کند؟

شاید نه تا این اندازه، ولی در زمان نوشتن و تولید فیلم آنقدر اتفاقات عجیب پیش آمد که صادقانه منتظر اتفاقات عجیب بعدی هم بودیم. برای همین خیلی زیاد غافلگیر نشدیم.

رضایت اغلب مخاطبین و منتقدین بوده میتوانم بگویم این وقفه در ساخت فیلم سینمایی اولم مبارزید. شاید اگر در جوانی فیلمی میساختم که نتیجه مورد نظر من را نداشت از فیلمسازی سرخورده و منصرف میشدم، ولی خدا هوایم را داشت.

## سبک شما در بچه مردم، ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که مختص خودتان است. در فیلم‌های آینده هم این گونه از فیلمسازی را ادامه می‌دهید؟

فیلمسازی در این سبک از علاقه مندیهای من بوده و دوست دارم با توجه به تجربه‌های که کسب کردم آن را ادامه دهم و تا زمانی که برایم جذاب باشد و بتوانم در آن خلاقیت داشته باشم آن را ادامه خواهم داد، ولی روزی که انگیزه و خلاقیتی نداشته باشم و صرفاً تبدیل به یک مدل فیلمسازی برایم شود آن را ادامه نخواهم داد.

## چه چیزی را در فیلمسازی بیش از همه دنبال می‌کنید؟ به بیان دیگر دغدغه اصلی شما در تولید یک اثر سینمایی چیست؟

قصه گویی؛ اینکه فیلمی ببینم که مرا با تجربه و دنیای جدید آشنا کند، لذت مبیرم و دوست دارم با فیلمسازی این فرصت را برای دیگران فراهم کنم. من کاری به غیر از این حرفه نکرده و بلد نیستم، بنابراین سعی میکنم از حرف‌های که زمان و عمرم را صرف آن کرده‌ام، برای ساخت فیلم‌هایی به درد بخور استفاده کنم. قصه‌ها با خود هزاران فایده دارند که اولین آن سرگرمی است.

## آیا فیلمسازی در ژانر اجتماعی را ادامه میدهید یا همین قصه گویی شما را وارد ژانرهای دیگر می‌کند؟

بیش از ژانر برای من جذابیت اثر اهمیت دارد که مردم یادین آن از وقتی که صرف تماشا کرده‌اند پشیمان نشوند و اوقات خوبی را سپری کنند و اینکه چه اتفاقاتی به چه نحوی در قصه رخ می‌دهد، دستاورد بعدی است. در واقع قصه مشخص می‌کند که ژانر فیلم چه باشد.

## با توجه به اشاره خودتان به حضور در برنامه خندوانه و اینکه بیشتر کارهای شما با چاشنی طنز همراه بوده به نظر شما چطور باید به یک طنز درست رسید؟

خنداندن مردم کاری سخت، لذت بخش و دوست داشتنی است. زمانی که مردم میخندند حسی را از خود بروز میدهند که خیلی نیاز به امنیت و اطمینان دارد. یکی از دلایلی که موجب ماندگاری من در خندوانه شد، همین شادی و راضی بودن مردم بود که آن را از غریبه و آشنا می‌شنیدم. این خنداندن آنقدر محاسبه و بلدی میخواهد که از دست هر کسی بر نمی‌آید. من